

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام والمسلمين زائري

بسم الله الرحمن الرحيم، خیلی متشکرم از حسن ظن و محبت جناب آقای آفروش و لطف شما که خدمتتان هستیم، و انشاءالله امیدوارم که این جلسه به عنایت امام زمان صلوات الله علیه ذخیره و بهره ای برای همه ما در روز قیامت باشد، آن چیزی که از روایات و احادیث اهل بیت بر می آید این است که وقتی مؤمنین دور همدیگر می نشینند صرف همین دید و بازدیدشان و ارتباطشان مورد عنایت و توجه اهل بیت هست، بالتزاور احیاء امرنا، و روایات مشابه این نشان می دهد خود همین دید و بازدید و ارتباط موضوعیت دارد، آثار اجتماعی که این ارتباطات ایجاد می کند، فضای روحی و روانی و کارکردی که برای خود ماها دارد این ارتباط، مخصوصا که یک جمعی از مؤمنین هستند، در زیارت عاشورا می گوئیم اسأل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفه اولیائکم، یعنی همین که من خوبان را، امام حسینی ها را، هیأتی ها را می شناسم خودش لطف خداست، و اینکه رفیق های من اینها هستند، انشاءالله باطن این جلسات روز قیامت علی سرر متقابلین همه ما از آن بهره ببریم، برای من افتخار است که خدمت شما هستم، چون فرصت نیست اجازه می خواهم یک مقداری ریتم و سرعت بحث را بیشتر کنیم، چون قرار هست که از محضر دوستان بیشتر استفاده شود و صحبت های دوستان را بشنویم، مخصوصا خوشبختانه در این چند تا کمیسیون جلسه ای که هست خود آقای آفروش در این جلسه حضور دارند از این جهت به نظر من خیلی خوب است که بعضی از بحثها مطرح شود، خصوصا با توجه به اینکه بحث رسانه بحث رو به آینده و بحث استراتژیکی هست، یک بحث راهبردی است، ما چه خواهیم چه نخواهیم در روزگاری هستیم که هر چه می گذرد فرصتها و فضاهای رسانه ای، تهدیدهای رسانه ای دارد بیشتر می شود، بحث بحث اپلیکیشن موبایل است، بحث سایت است، بحث سی دی و وی دی است، بحث شبکه های ماهواره ای است، بحث اینترنت است، بحث مطبوعات است، لذا بحث رسانه یک بحث رو به آینده است برای آینده این فضا و این موقعیت که ما الان در آن قرار گرفتیم، از چند زاویه می شود به این بحث پرداخت، یک وقت هست ما بحث رسانه و هیأت را از جهت بازتاب رسانه ای فعالیت های هیأت تلقی می کنیم، اینکه در هیأت چه اتفاقی می افتد و چجوری بازتاب و بازخورد پیدا می کند، از سی دی که ما برنامه مان را ضبط می کنیم شب بعد از مردم می دهیم بگیرد تا نشریه ای که خبر هیأت ما را می زند، تا اینکه چجوری یک نشریه می تواند در دل هیأت بخشی از وظائف و کارکردهای هیأت را دنبال بکند، تا اینکه ما آیا خود هیأت را رسانه می بینیم یا نه، خود دکوراسیون هیأت، پارچه و پرچمی که به در و دیوار زدیم، ملتی که دو ساعت، سه ساعت می آیند اینجا می نشینند، کالمیت بین یدی الغسال با تمام انرژی و وجود دل می دهند، آیا ما چقدر فکر می کنیم به این پرچم و پارچه ای که می تواند یکی از صحبت های حضرت آقا روی آن بیاید، می تواند یک جمله حکیمانه ای روی آن بیاید، می تواند یک پرچم

بافی کم سواد یا حداقل نه چندان انقلابی و متعهد یک چیزی درست کرده باشد همان بیاید در هیأت ما، این آیا رسانه هست یا نه؟ آیا رفتار ما رسانه هست یا نه؟ کفش جفت کردن ما دم در رسانه هست یا نه؟ بحثهایی که از جهت سبک زندگی الان دارد در هیأتها بابش باز می شود، از هر زاویه ای که بخواهیم به این قصه وارد شویم خودش ساعتها بحث می خواهد، آن چیزی که من آماده کردم خدمت عزیزان تقدیم بکنم چون فرصت نیست خلاصه اش را عرض می کنم، فقط سرفصلهایش را می گویم، انشاءالله خود عزیزان یا یک فرصت دیگری اگر عمر بود و قسمت بود انشاءالله خدمت شما بودیم صحبت کنیم یا اینکه دوستان خودشان راجع به آن فکر بکنند، مطالعه بکنند و من آدرس می دهم روایات را ببینند، سعی هم کردم بیشتر روایت تقدیم بکنم، چون یکی از خطرهای که الان هست فکر می کنم متأسفانه بیشتر از این خطر که روحانیت دارد حضورش کمرنگ می شود که اتفاقاً جالب است حضرت امام یکی از چیزهایی که اینقدر روی آن تأکید دارند خطر کمرنگ شدن حضور روحانی است، متأسفانه در شرایطی که چشم باز می کنیم می بینیم در خود قم ده تا کلیسای خانگی پیدا می شود، وقتی در مشهد و تهران بیخ گوش ما بهائی و وهابی ها همه دارند بیشتر از شیعیان امیرالمؤمنین کار می کنند، وقتی اهل سنت دارد شرایطشان جور می رود که اینکه دارم می گویم اغراق نیست، واقعا معلوم نیست پنجاه سال دیگر اصلا هیأت‌های مذهبی به این وضعیت موجود باشند یا نه، چون طرف به خود من گفت صد متری حرم امام رضا مجلس عزای حضرت زینب سلام الله علیها بود دیدم یک سنی آمده به ما می گوید مسخره بازی ها چیست؟ کی می خواهید بساطتان را جمع کنید؟ صد متری حرم، مجموعاً قصه ها جدی تر از این است که ماها فکر می کنیم، خطرناک تر از حذف روحانیت این است که ما روحانیتی داریم که حدیث نمی خواند، آخوندی که بالای منبر روایت نمی خواند، از پلورالیزم و نمی دانم فرض کنید سیاستهای جمهوری اسلامی در بالکان و همه چیز حرف می زند غیر از روایت اهل بیت، در حالیکه خودشان به ما گفتند عرفوا قدر منازل شیعتنا عندنا علی قدر روایتهم عتاً، ببینید کی بیشتر از ما روایت نقل می کند، کی بحار الانوار و وسائل الشیعه و اصول کافی دستش است، این خطر بزرگی است که متأسفانه به آن توجه نمی شود، بگذرم، من به این جهت سعی کردم بیشتر روایات را عرض کنم، مسیر بحصی که می خواستم خدمت عزیزان تقدیم بکنم این بود که وقتی از رسانه صحبت می کنیم یعنی مخاطب عام، و اقتضای مخاطبت با عموم مردم و اقتضای استفاده از ابزار رسانه و اقتضای روزگار تکنولوژی و دنیای مدرن یعنی اینکه ما زبانمان دیگر زبان محفلی نمی تواند باشد، زبان خاص نمی تواند باشد، من با پدرم، مادرم، خاله ام، عمویم در خانه یک اصطلاحاتی داریم، مثلاً بابای من به ریموت تلویزیون مثلاً می گویم می گوید یوری گاگاری، در خانه می گویم یوری گاگاری ام کو، می گویند بیا، ولی وقتی آمدم در کلاس مدرسه نمی توانم اینجوری حرف بزنم، دنیای جدید و ابزار جدید و رسانه جدید و مخاطب عام یعنی دیگر آن زبان محفلی باید عوض شود، من به یک زبان جدید نیاز دارم برای اینکه با مخاطب عام دارم حرف می زنم، و اگر به این زبان توجه نکنم آفت پیدا می شود، در خاطرات منبری ها هست طرف می

گوید من مثلا رفتم فلان جا، بالای منبر گفتم مثلا طرف حالا مثلا می گویم، حالا این عبارت نبود، یادم نیست چی بود، مثلا فرض کنید طرف گاکول است، یعنی گیج است، بالای منبر، گفت یک دفعه دیدم همه دارند همدیگر را نگاه می کنند، قیافه ها رفت در هم، بعد از منبر فهمیدم عجب چیز زشتی گفتم، مثلا در این منطقه این عبارت یعنی مثلا خیلی بد، گفت فردا شب نصف مسجد نیامده بودند، همه گفتند آدم بی ادبی است، بالای منبر حرف زشت زده است، برای چی؟ برای اینکه این مخاطب یک زبان دیگری دارد، ادبیات دیگری دارد، واژه های دیگری دارد، فهم دیگری دارد، و اصلا من قرار است با فهم مخاطبم حرف بزنم، در تکنیکهای سخنرانی در غربی ها خیلی جالب است کتابهای مدرنی که هست یکی از چیزهایی که اولین بار من دیدم برایم عجیب بود این بود که می گوید سخنران قبل از سخنرانی باید برود محل سخنرانی را بررسی کند، اگر شما قرار است که میکروفن گوشی داشته باشید، هاش اف داشته باشید ببینید آنجا هست یا نه، اگر قرار است جمعیت رو به شما بنشینند مثلا بررسی کنید، اگر شما قرار است بالاتر باشید فلان، اگر وایت برد نیاز دارید قبلا پیش بینی کنید، اگر زمانی که دارید مثلا آنها کتاب مقدس یا انجیل مثلا، شما می خواهید بخوانید قرار است پاور پوینتی چیزی پخش شود ببینید آیا مثلا ویدئو پروژکتور دارند یا نه، اگر قرار است فلان، یعنی شما قرار است جایی بروی صحبت کنی که تمام زوایا و ابعاد و جزئیات و همه اینها را دیده باشی، آنوقت است که می توانی اثر بگذاری، آنوقت است که وقتی بروی بالای منبر یا پشت تریبون یا فلان می توانی، اساس کار طلبگی و تبلیغی ما در قرآن کریم آیه نفر است، *فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ* (التوبة ۱۲۲) یعنی تو باید بروی با همان زبان، اینهمه در روایات ما که نحن معاشر الانبياء معاشر الانبياء نكلم الناس على قدر عقولهم، ما با این زبان، با همین فهم، با این مخاطب، لذا خود اهل بیت روایت متعدد داریم مثلا لو علم سلمان ما فی قلب ابودر، یا لو علم ابودر ما فی قلب سلمان لقتله، و امثال اینها، حتی سلمان و ابودر که نزدیکترین رابطه را با پیغمبر دارند سلمان با ابودر حال و هوایشان فرق می کند، ظرفیتهایشان فرق می کند، اینکه امیرالمؤمنین فرمود یا کمیل ان هذه القلوب اوعیه، و خیرها اوعاها، ظرفها فرق می کند، در روایت دارد سه نفر آمدند خدمت امام صادق صلوات الله علیه وضو گرفتن را سؤال کنند، امام صادق به اولی گفت مثلا اینجور، دومی یک چیز دیگر، سومی یک چیز دیگر، یکی خیلی قاطی کرد، تحمل نداشت، به حضرت گفت شما به اولی این را گفتید به دومی این را... بعد حضرت توضیح دادند، گفتند اولی در شهری زندگی می کند که غیر خودش هیچ کسی نیست، و حکام آن شهر از مخالفین ما هستند، اگر این مثل ما وضو بگیرد او را می کشند، او را از بین می برند، نسل شیعه آنجا از بین می رود، ترجیح دارد این مثل آنها وضو بگیرد اما محبت ما را منتشر کند، دومی کسی است که مأمور و جاسوس حکومت بود، آمده بود ببیند ما چه می گوئیم برود جنجال و درد سر درست کند، گفتیم همانجور که مفتی و فقیه و سلطان و خلیفه می گوید همان درست است، سومی از افراد خودمان بود، مطمئن بودیم به او، آنچه که امیرالمؤمنین و پیغمبر گفتند آن را به او

تعلیم دادیم، یعنی مردانگی و گردن کلفتی برای اهلبیت این نیست که یک چیزی را جار بزنی هر جا که رفتی بگویی عین خیالت هم نباشد که طرف کی هست و چی هست، یکی از چیزهایی که الان به نظر من بسیار بسیار در این قضیه جدی است فضای اجتماعی جدیدی است که ما در هیأتها با آن روبرو هستیم، پنجاه سال پیش و صد سال پیش کسانی که در هیأت می آمدند کسانی بودند که مال یک محیط کاملاً محدود بودند، چه بسا شغل خودشان و پدرشان و پدر جدشان و نوه شان و پسرشان هم یکی بود، چه بسا در طول عمرشان از محله شان هم بیرون نمی رفتند و در آن جمع روحانی منبری پنجاه سال پیش باسوادترین آدم بود، خود شما می دانید، صد سال پیش و پنجاه سال پیش نسخه می نوشتند حکیم و طبیب می آمدند پیش آخوند ده می گفتند نسخه را بخوان برایمان، نامه برایشان می آمد می خواستند جواب بدهند به آخوند می گفتند نامه بنویس، یعنی سواد او از میانگین سواد همه بالاتر بود، اما الان چی؟ الان آخوند می رود، بنده می روم منبر در مجلس ختم، نگاه می کنم بالای منبر صد سال پیش و پنجاه سال پیش یک دانه لیسانسه و دیپلمه در جمعیت ممکن بود نباشد، پنجاه سال پیش دو تا لیسانسه ممکن بود پیدا شود، و چهار تا دیپلمه، الان که در مجلس ختم که من می روم منبر شش تا دکتری دارند، پانزده تا فوق لیسانس دارند، شصت و شش تا لیسانس دارند، صد تا دیپلمه هستند، هر کدامشان هم یک گوشی موبایل دارند که دارند ضبط می کنند، ولی من چجوری حرف می زنم؟ دقیقاً مثل پنجاه سال پیش، مخاطب من میانگینش اینقدر رشد کرده، من چی؟ من همان هستم، رساله توضیح المسائلی که پدر بزرگ من استفاده می کرد و من یادم هست و شما یادتان هست پدر من استفاده کرده، خود من استفاده کردم، بچه من استفاده کرده احتمالاً همان رساله توضیح المسائل را نوه من باید استفاده کند، بعد شما دیدید خودتان در همین فضا هستید دیگر جوان می آید می گوید آقا یک زراع یعنی چقدر، بارها برای شما هم شاید پیش آمده باشد، می گوید زنگ زدیم دفتر مراجع گفتیم آقا این چی میشود، حاج آقا به من گفته یک چیزی گفته نفهمیدم، طرف زنگ می زند احوط آن است که جمع کنید، باز نمی فهمد، در حالیکه دیکشنری آکسفورد سال به سال دارد ادیشن جدید می آید، دارد رفرش می شود، این دو تا واژه را کم کنید، این سه تا واژه را اضافه کنید، الان وبلاگ آمده، پات کست آمده، مثلاً فرض کنید استاتوس آمده، اینها را اضافه کنید آنها را کم کنید، ما نیاز داریم به این زبان جدید برای همان معارف اصیلمان، برای همان مبانی مان، برای همان اصول مان، اما اقتضای جدید، با مخاطب جدید، اینکه فرمود و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه، محدود نکرد، به قول یکی از بزرگان می گفت امام زمان صلوات الله علیه اگر تشریف آوردند با شمشیر نوکرشان هستیم، اگر هم تشریف آوردند با آربی جی نوکرشان هستیم، ما امام زمان را کار داریم، می دانید و شاید شنیدید ما در روایاتمان راجع به موبایل روایت داریم، راجع به اس ام اس و ایمیل روایت داریم، در روایت داریم امام زمان صلوات الله علیه وقتی تشریف بیاورند مردم کف دستشان را نگاه می کنند امام زمان را می بینند، تا سی سال پیش هم حتی کسی این روایت را نمی فهمید، الان من می فهمم یعنی چی، مردم کف دستشان را نگاه می کنند امام زمان را می

بینند در لحظه، و صدای او را هر کسی با زبان خودش می شنود، این را الان ما می فهمیم یعنی چی، محدود نیستیم به یک قالب مشخص، ما قرار است معارف را منتشر کنیم، به اقتضای روز، به شرایط روز با زبان روز، اما اصلمان همان است، یعنی اصلش اگر سجده بعد از زیارت عاشورا و گریه نبود هیچ چیز از آن در نمی آید، اصلش اگر جلوی ضریح ایستادن و التماس کردن نبود هیچ چیز از آن در نمی آید، اصلش اینکه من بروم به قول آقای بهجت رحمت الله علیه روزه ام را حتی با بوسه بر ضریح، علامه طباطبایی با بوسه بر ضریح حضرت معصومه افطار کنم، اصل همان است، ولی من آدمی هستم که قرار است خود امیرالمؤمنین فرمود بچه هایتان را به شرایط روز تربیت کنید، چه برسد به نشر معارف که اصلا کاملا زبان اقتضا، ابزار متفاوت است، با این مبنا یکی از مشکلات جدی که ما از جهت اجتماعی داریم و اتفاقا چالش هیأتها و نهادهای مذهبی و دینی است که بنیانشان ولایت فقیه و انقلاب و تعهد به رهبری است، بگذارید صریح صحبت بکنم، یک عده تکلیفشان را جدا کردند، نمی خواهم اسم گذاری کنم، نمی خواهد وصف بدهم، نمی خواهم ارزشگذاری کنم، اصلا وارد این بحث نمی خواهم بشوم، اسمش را هر چه می خواهید بگذارید، بگوئید انجمن حجتیه، بگوئید هر چی، یک عده تکلیفشان را معلوم کردند، می گویند آقا ما به نظام و انقلاب و این حرفها کاری نداریم، ما هم با آنها کاری نداریم، اصلا بحث آن نیست، بحث ما جریانی است که احساس می کند وامدار به خون شهداست، جریانی است که احساس می کند به جای آن شهیدی که رفته آنجا تکه تکه شده روی سیم خاردار خوابیده الان قرار است یک کاری انجام بدهد، جریانی است که احساس می کند پشت سر آقا باید حرکت کند، بدون شعار، بدون سر و صدا، بدون اطوار، خالصانه و مخلصانه قرار است جهاد کند، احساس می کند جنگ نرم است، احساس می کند حفظ دین و ثروت معنوی مردم به هیأتها بستگی دارد، چالش جدی این جریان الان این است که این زبان جدید و اقتضای جدید را درک کند، چالش جدید و جدی ما الان با جریان شیرازی هاست، چالش جدی ما با جریان شیعی داخل شیعه خطرناک است، اینکه فرمودند آخرالزمان نگه داشتن دین مثل آتش کف دست و اینها به خاطر همین چیزهایش است، اینکه دعوای ما با کسی نیست که روبروی ما نشسته باشد و ایستاده باشد، بابا آن مفتی محیصنی؟؟ که می گوید نوه حجاج ابن یوسف ثقفی هستم و افتخار می کنم که شیعه ها را تکه تکه کنیم و مثلا لقمه لقمه کنیم که ما با آن مشکلی نداریم، اینکه قرآن اینقدر از منافق می ترسند برای اینکه منافق در جبهه خودی است و خطرناک است، منافق با لباس خودی کار می کند و ضربه می زند و الا آنکه محارب است، من یک وقتی یک مطلبی نوشتم که مسعود رجبی منافق نیست، مسعود رجبی محارب است، اسلحه دستش است، منافق آن است که اینجا خطرناک است، ما همه اش می گوییم منافقین، او که منافق نیست، منافق یعنی کسی که نمی شناسیم او را، اینها یک روزی منافق بودند بعد دیگر دستشان رو شد، آن کسی که باید از او ترسید آن کسی است که دستش هنوز رو نشده است، آن کسی که است که مصاحبه می کند می گوید مقام عظمای ولایت، بعد زندگی و کارش را نگاه می کنیم هیچ ربطی با انقلاب و دین و مذهب هیچ چیز ندارد، آن

خطرناک است و الان چالش ما با همان جماعت است، راجع به قمه زنی، راجع به لعن، راجع به مجالس عیدالزهره و امثال اینها، یک سؤالی اینجا پیش می آید و سؤال کاملاً جدی است که آقا اگر ما اینها را حذف کردیم، این را خیلی من دارم تند می گویم اما سرفصل است، اگر ما اینها را حذف کردیم سرنوشت ما سرنوشت اسپانیا نمی شود؟ که بیست سال دیگر سی سال دیگر، پنجاه سال دیگر بچه های خودمان در خانه های خودمان دیگر تبری برایشان مفهوم نداشته باشد؟ سؤال جدی هم هست، اگر ما اینها را حذف کردیم و به روی خودمان نیاوردیم آن همه تأکید بر برائت قلبی، دیگر اینهمه زیارت عاشورا را که کاری اش نمی توانیم بکنیم، آنها چی می شود؟ این جواب دقیقاً در روایات هست، من خواهش می کنم دوستان حوصله کنند آنهایی که عربی مسلط هستند و می توانند استفاده کنند ابتدای کتاب العلم بحار الانوار، جلد دوم بحار الانوار کتاب العلم مرحوم مجلسی دارد یک باب ایشان باز می کند باب سیزدهم نهی از کتمان علم و خیانت و جواز کتمان از غیر اهل، بعد روایاتی را می آورد که عجیب است، اولین روایتی که ایشان می آورد خیلی خیلی قشنگ است، اینقدر این روایت به من چسبید، حالا می گویم چرا، انگار مال امروز است، انگار مال هیأتهاست، انگار در ذیل فرمایشان آقا راجع به لعن و قمه زنی و اینهاست، چرا؟ این روایت مشهور را همه ما شنیدیم، من هم تا اینجا شنیدم، اینکه می گویم به من چسبید اینجا بود، تا اینجا شنیدم که نفس المهموم لظلمنا تسبیح و همه لنا عباد، تا اینجا را همه شنیدیم، بعدش را شنیدید؟ من هم نشنیده بودم، قشنگی اش این است، همان روایتی که مشهورترین روایت است و مرحوم آشبخ عباس نفس المهموم را بر اساس آن نوشته است، که تو نفس بکشی برای مظلومیت ما تسبیح است، غصه بخوری عبادت است، بلافاصله بعدش می فرماید و کتمان سرتنا جهاد فی سبیل الله، پوشاندن راز ما جهاد است، عجیب است، بعد می فرماید ثم قال ابو عبدالله یجب ان یکتب هذا الحدیث بماء الذهب، خود امام صادق که فرمود بلافاصله فرمود این حدیث من را با آب طلا باید بنویسند، نفس المهموم لظلمنا تسبیح و همه لنا عباد و کتمان سرتنا جهاد فی سبیل الله، آنوقت ذیل این شروع می کند مرحوم مجلسی، اصلاً روایات عجیب است، اینقدر روایات عجیب است که آدم احساس می کند بابا این زاویه را اصلاً ما به این توجه نکردیم، به این قصه اصلاً نگاه نکردیم، آن هم از زاویه فعال بودن نه از زاویه انفعال، خوب دو تا قصه است، یک وقت هست من از طرف مقابل می ترسم، این می شود انفعال، یک وقت هست از طرف مقابل مثلاً حیا می کنم، یک وقت هست نه، از موضع اقتدار و فعالیت تدبیر می کنم چی را بگویم چی را نگویم، روایت بعدی، من اینها را سریع می خوانم چون می خواهم بیشتر از محضر عزیزان استفاده کنم، روایت بعدی می فرماید که در ذیل این آیه شریفه که هدی للمتقین امام صادق صلوات الله علیه می فرماید که بیان و شفاء للمتقین شیعه محمد و علی، آنها اتقوا انواع الکفر فترکوها، بعد می فرماید در ذیل آن واتقوا اظهار اسرار الله تعالی و اسرار ازکیاء عباد الاوصیاء فکتموها، متقین از شیعیان کسانی هستند که اسرار ما را حفظ می کنند، در یک روایت دیگری امام صادق می فرمایند که باز این هم با چند تا تعبیر نقل شده است، رحم الله عبداً اجترّ مودتاً

الناس الی، رحمت خدا بر بنده ای که محبت مردم را بر ما جلب کند و بکشاند، بکشاند محبت مردم را، چجوری؟ بعد خود حضرت می گویند فحدّثهم بما یعرفون و ترک ما ینکرون، چیزهایی را از ما به آنها بگویند که درک می کنند و می فهمند و سرشان می شود، آن چیزهایی که سرشان می شود برایشان نگوید، آن چیزهایی که هضم نمی کنند برایشان نگوید،

در یک روایت دیگر دارد که روایت طولانی است، که حالا این را آخر اگر فرصت شد می خوانم، امام صادق صلوات الله علیه به مُدرک می گویند، که دو سه تا روایت همین مُدرک نقل کرده راجع به این موضوع، می فرمایند انّ امرنا لیس بقبوله فقط، مکتب ما و دستگاه ما، تشکیلات ما، موضع ما و دیدگاه ما فقط به قبول کردنش نیست، و لکن بصیانتہ و کتمانہ عن غیر اهلہ، حفظ این مکتب به این است که به غیر اهلش نگویی، اقرأ اصحابنا السلام ورحمہ الله و برکاتہ، سلام ما را به شیعیان برسان و قل لهم رحم الله امرناً اجترّ مودّہ الناس الینا فحدّثهم بما یعرفون و ترک ما ینکرون، بعد حضرت عبدالعظیم حسنی است نقل می کند سند روایت می رسد به امیرالمؤمنین می گوید پیامبر اکرم فرمود: انا امرنا معاشر الانبیاء ان نکلم الناس بقدر عقولہم، ما وظیفہ مان و قرارمان این است و خدا گفته که با مردم به اندازه عقل مردم حرف بزنیم، در یک روایت دیگری دارد که می گوید من رفتم خدمت امام باقر علیه الصلاه و السلام، جوانی بودم، حضرت گفت کی هستی؟ گفتم فلانی هستم، آدمم که معرفت را از شما بیاموزم، علم بگیرم، فدفع الی کتاباً، یک نوشته ای حضرت به من داد، و قال لی ان انت حدّثت به حتی تهلک بنی امیہ فعلیک لعنتی و لعنت آبائی، اگر قبل از نابودی بنی امیہ این را به کسی بگویی لعنت من و پدرانم بر تو باد، بحث روایت خواندن است، چون بعدش یک روایت دیگر می خواهم بخوانم می خواهم بگویم چقدر حساس است، لعنتی که ما به شمر و یزید و معاویه در زیارت عاشورا می فرستیم آن لعنت امام صادق می گویند به تو شیعه اگر قبل از معاویه، یعنی در شرایطی که هنوز زمینه اجتماعی فراهم نیست، اگر این راز را افشا کنی لعنت من و پدرانم بر تو، بعد جواب سؤال ما را می دهند، اینکه می گویند آقا اگر اینها را پنهان کنیم بچه هایمان چی می شود، بعد فرمود و ان کتمت منه شیئاً بعد هلاک بنی امیہ فعلیک لعنتی و لعنة آبائی، اما بعد از هلاک بنی امیہ، یعنی وقتی شرایط فراهم شد، اگر چیزی اش را پنهان کردی لعنت من و پدرانم بر تو، یعنی تمام شیعه بودن تو به این است که کجا بگویی و کجا نگویی، در محفل خصوصی که بچه ات هست آنجا که جناب عمر رضی الله عنه نیست که، آنجا که خودتی و خودت می دانی چیست که دیگر قایم کردن ندارد، البته با ادب، البته با حرمت ها، چون شیعه امیرالمؤمنین یک صفاتی دارد، فرمودند کسی که بدزبانی می کند از ما نیست، صبّ نمی کنند، فحاش نیستند، اما قرار نیست که ژینگول بازی در بیاوریم، خودمان که می دانیم امیرالمؤمنین مظلوم بودند، فاطمه زهرا سلام الله علیها چی کشیدند، اینها را که می فهمیم که، اما بیرون چه؟ آنجایی که شرایط نیست چی؟ آنجایی که مخاطب عام است چی؟ آنجایی که کار دست شیعه می دهند چی؟ آنجایی

که طرف گفت در سیستان و بلوچستان جلوی خود شوهر و بچه ها زن را گرفتند یک پایش را بستند به یک جیب، یک پایش را بستند به یک جیب دیگر جلوی شوهر و بچه هایش کشیدند از وسط زن دو تکه شد، شوهرش نعره می زد، بچه هایش جیغ می زدند مادرش را دو تکه کردند، برای چی؟ برای اینکه نوار آشپز مهدی دانشمند را می گذارند آقا گوش کند، برای اینکه جلسه روضه آقای فلانی را می گذارند، من خودم، اینکه دارم می گویم به کسی کار ندارم، خودم در مکه سوار ماشینی شدم در سفر حج، دو سال پیش، سه سال پیش، طرف موبایلش را در آورد سودانی بود، فهمید ما شیعه هستیم موبایلش را در آورد گذاشت شیخ جعفر مهاجر بگویم چی، گفت فقههای شما، بزرگان، گفتم بزرگان چی؟ این آدم ضد انقلاب ضد شیعه است، آیت الله خامنه ای اینجوری نیست، آیه الله سیستانی اینجوری نیست، آیت الله فضل الله، یک ذره اینجوری گفتم، گفت اینها فقههای شما هستند، ما این را داریم می بینیم، دیدم راست می گوید، او که صحبت آقا را خبردار نمی شود، او که خبردار نمی شود آقا در کردستان گفتند اذان پخش شود به شیوه اهل سنت از تلویزیون کردستان، او که خبردار نمی شود آقا در نماز جمعه چی گفتند، او دارد این را می بیند، هشتاد سال پیش یا صد سال پیش دقیقاً یادم نیست، یک سندی من یک وقتی دیدم که یکی از فقههای شیعه به اصطلاح شوری سابق، در یک منطقه ای نامه نوشته برای فقههای قم، که آقا تو را به خدا مراعات کنی چیزهایی که می گوید، شما آنجا در سایه امنیت فاطمه معصومه سلام الله علیها یک چیزهایی می گوید، زن و بچه ما و ناموس ما اینجا در خطر است، اینکه هنر نیست تو یک مجلس عید عمر بگیری در مثلا قم، صفا بکنی، یکی دیگر یک جای دیگر تاوانش را بدهد، شیعه مظلوم بدبخت لبنان تکه تکه شود، شیعه غریب و مظلوم در پاکستان تکه تکه شود، دست و پایش را ببرند، شیعه غریبی که در اروپا و در لندن و استکهلم با بدبختی، من بعضی از اینها را می شناسم، طرف پرچم امام حسین و امیرالمؤمنین و امام زمان را با مصیبت سرپا نگه داشته است. او لطمه اش را بخورد، در یک روایت دیگری باز دارد که امام صادق صلوات الله علیه فرمود: خالطوا الناس بما یعرفون، با مردم در حد آنچه که می فهمند قاطی بشوید، و دعوهم مما ینکرون و لاتحملوا علی انفسکم و علینا، کار دست خودتان و ما ندهید، بلا سر خودتان و ما نیاورید، ان امرنا صعبٌ مستصعب لایحتمله الا ملک مقرب، او نبی او عبد مؤمن؟؟ الله قلبه للایمان، این کار سنگین است، بازی نیست، در یک روایت دیگری فرمود که: انه من کتم صعب من حدیثنا، کسی که این احادیث دشوار و پیچیده و عمیق ما را، مسائل معرفتی خاص ما را کتمان کند، از ناهلان بیوشاند جعله الله نوراً بین عینیة، خداوند آن را یک نوری قرار می دهد بین دو چشمش، و رزقه الله العزه فی الناس، خدا به او عزت می دهد، و من ازاء الصعب من حدیثنا لم یمت حتی یعزه السلاح او یموت کباء، فرمود اگر کسی هم منتشر بکند نمی میرد مگر اینکه بلایی سرش بیاید و مصیبتی بر او وارد می شود، با بدبختی از دنیا می رود، در یک روایت دیگری فرمود که: یا معلأ، باز به همنی معلأ اکتّم امرنا و لاتضع، امر ما را پنهان کن، آشکار نکن، منتشر نکن، می دانید این اضائه در عربی به رادیو چی می گویند؟ اضائه یعنی برود کستینگ، دقیقاً معادل پخش

رسانه ای ماست، الان بحث رسانه داریم دیگر، دقیقاً معادل پخش رسانه ای در انگلیسی است، امام صادق صلوات الله علیه می فرمایند اگر کسی رسانه ای کرد معارف خاص و اسرار ما را، اذله الله فی الدنيا، خدا در دنیا دلیلش می کند، و نضی النور من بین عینیه فی الآخره، در آخرت هم خدا نور را از چهره اش بر می دارد، دلت خوش است که برای امام حسین سینه زدی؟ امام صادق پسرش دارد می گوید که خدا روز قیامت نورت را می گیرد، و جعله ظلماً یقولہ الی النار، آن را خدا یک ظلمتی قرار می دهد به جای نور که می برد او را در آتش، یا معلماً انّ التقیه دینی و دین آباء، تقیه آئین من و پدران ماست، و لادین لمن لاتقیه له، کسی که تقیه ندارد دین ندارد، یا معلی انّ الله یحبّ ان یعبد فی السرّ، کما ان یحبّ ان یحبّ فی العلانیه، یا معلماً انّ المضیء لامرنا کالجهد به، رسانه ای کننده اسرار ما مثل کسی است که کافر است و منکر آن اسرار است، دوباره فرمود رحمکم الله لاتضییوا امرنا، رسانه ای نکنید اسرار ما را، و لاتحدّثوا به الا اهله، فانّ المضیء علینا سرّاً اشدّ علینا معونه من عدونا، این از دشمن ما برای ما درد سرش بیشتر است، مصیبتش بیشتر است، انصرفوا رحمکم الله، بابا خدا پدرتان را بیمارزد، دست بردارید، لاتضییوا سرّاً، اسرار ما را رسانه ای نکنید، حالا این روایت را هم بخوانم، در یک روایت از امیرالمؤمنین است أتحبّون ان یکذبّ الله و رسوله، آیا دوست دارید که خدا و رسول خدا تکذیب شوند؟ در ذیل آن آیه شریفه که ولا تصبّ الذین یدعون من دون الله فیصبّ الله عدواً بغیر علم، خیلی ها این روایات را نقل کردند در تفاسیر، آقا تو اگر به دشمن چیزی که به آن علاقه و دلبستگی دارد تو اگر ناسزا گفتی، آن ری اکشن و واکنش طبیعی و ناخودآگاه او این است که او هم به علائق تو فحش می دهد، تو گناه او شریک می شوی، اگر برای خنک دلم رفتم یک چیزی به طرف گفتم، او هم برگشت یک چیزی به امیرالمؤمنین گفت من در گناه او شریک هستم، من برای امیرالمؤمنین نمی گویم، من برای خنک شدن دل خودم می گویم، کار به امیرالمؤمنین ندارم، باز فرمود که، اقرأتم السلام و رحمه الله یعنی الشیعہ، فرمود به شیعیان ما سلام برسان و قل قال لکم رحم الله عبداً استجرّ مودّه الناس الی نفسه و الینا، امام صادق می گوید به شیعیان سلام رسانده یعنی امروز دارد به ماها می گوید امام صادق، می گوید آقا حواستان را جمع کنید، بعد فرمود که لیس هذا الامر معرفته و ولایته فقط، امر مکتب مکتب ما فقط معرفت و ولایتش نیست، حتی تستره عن من لیس من اهله، بعد حالا روایت طولانی است چون من دیگر وقت نیست فاکتور می گیرم، باز در روایت هست امیرالمؤمنین به حذیفه ابن یمان فرمود: لاتحدّث الناس بما لایعلمون، فیطغوا فیکفروا، مردم طغیان می کنند کافر می شوند، بعد عرض شود که پیامبر فرمود لاتعطوا الحکمه غیر اهلها فتظلموها، معارف را به غیر اهل نگویند که ظلم می کنید به این معارف، و لا تمنعوها اهلها فتظلموهم، از اهلش هم منع نکنید که به اینها ظلم می کنید، این همان چیزی است که عرض کردم، یعنی اگر به بچه خودت نگفتی بیست سال دیگر، او روز قیامت می گوید بابایم به من نگفت، بابایم به من نگفت فاطمه زهرا را چرا شبانه دفن کردند و غسل دادند، در یک روایت دیگر دارد از امام صادق که این خیلی خطرناک و عجیب است، می فرماید: لیس منّا من اضاء حدیثنا، فانه قتلنا قتل عمد، کسی که

احادیث خاص ما و اسرار ما رسانه ای کند ما را به شکل قتل عمد کشته است، لاقتل خطأ، ما نمی گوییم اشتباه کرده، دارم حرف خیلی تندی می زنم، حتی خود حضرت آقا تعبیری که داشتند راجع به جبهه خودی و جبهه غیر خودی و فلان گفتند ما نمی گوییم اینها، اینها در واقع عملکردشان دارد به نفع جبهه دشمن تمام می شود، امام صادق تندتر از این می گوید، ماها خیلی که بگوییم می گوییم آقای شیخ فلان و آسید فلان و بهمان فلانی اینها عملکردشان به نفع دشمن است، اما اینها عمدی که نمی کنند، من همیشه تا حالا اینجوری میگفتم، امام صادق می گوید نخیر اینها عمدی است، قتلنا قتل عمد، سهوی نیست، بعد امام صادق فرمود: اَنِّي لَأَحَدُ الرَّجُلِ الْحَدِيثِ فَيَحَدِّثُ بِهِ عَنِّي كَمَا سَمِعَهُ، فَاسْتَحَلَّ بِهِ لَعْنَهُ، می گویند من احادیثم را برای کسی می گویم، حرف می زنم، می رود عین همین حرف را به کسانی که نباید بگوید می گوید، من او را لعن می کنم، یعنی شیعه خودی، بعد فرمود، این از آن چیزهایی است که من تا حالا در عمرم روایت از این تندتر ندیدم، از این تلخ تر روایت ندیدم، خیلی تلخ است، قوم یزعمون اَنِّي امامهم، کسانی هستند که مدعی هستند پیرو من هستند و من امامشان هستم، یعنی طرف نمی گوید من پیرو عمر و ابوبکر هستم، می گوید پیرو امام صادق هستم، خود امام صادق گفته، قوم یزعمون اَنِّي امامهم، والله ما انا لهم بامام، به خدا قسم من امام اینها نیستم، چرا؟ لعنهم الله، خدا لعنتشان کند، کَلَّمَا سَتَرْتُ سَتْرًا هَتَكُوهُ، من پرده داری می کنم، آنها پرده دری می کنند، اقول كذا و كذا، من دارم می گویم این این، يقولون اَنَّمَا یعنی كذا و كذا، می گویند نه، منظورش این است، اَنَّمَا انا امام من اتباعنی، من امام کسی هستم که حرف من را گوش کند، لعنهم الله، خدا لعنتشان کند همین شیعیان را، بعد فرمود که، انَّ لَنَا حَدِيثًا مِّنْ حَفْظِهِ عَلَيْنَا حَفْظَهُ اللهُ، ما یه احادیثی داریم، اسراری داریم، مسائلی داریم، تاریخی داریم، قضایایی داریم، هر کسی اینها را حفظ کند خدا حفظش می کند و حفظ علیه دینه و دنیاه، خدا دین و دنیایش را برایش حفظ می کند، و مَن اضائه، کسی که این اسرار را رسانه ای کند سلبه الله دینه و دنیاه، خدا دینش و دنیایش را با هم می گیرد، و یک روایت عجیب تر از همه اینها که اگر خودم ندیده بودم باور نمی کردم، امام باقر صلوات الله می فرماید، می گوید گاهی می شود من می شنوم کسی دارد در مسجد جدم را صبّ می کند، اَنِّي لَأَسْمَعُ الرَّجُلَ يَصْبُ عَلَيَّ، خودم می شنوم من امام باقر دارم علی ابن ابیطالب را صبّ می کنند، فحش می دهند، ناسزا می گویند، فاستترُ عنه بالساربه، می گویند می روم در یک پشت و پسلی قایم می شوم که من را نبیند، برای اینکه پرده دری نشود، برای اینکه تجرّی پیش نیاید، برای اینکه قبحش نریزد، قایم می شوم تا من را نبیند، فاذا فرغ اتيتهُ فسامحته؟؟ وقتی تمام می شود حرفش عوض می شود می روم جلو با او دست می دهم، امام باقر مثل ما رگ گردنش کلفت نمی شود الکی، غیرتی بشود الکی، من غیرتمندتر هستم یا امیرالمؤمنین؟ که بیست و پنج سال استخوان در گلو و خار در چشم، غیرت الله است، گاهی وقتها ما یک جوری برخورد می کنیم که انگار العیاذ بالله امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مثلا، مثلا ما اگر جای علی ابن ابیطالب بودیم ما چنان، این دل من، هوای نفس من است، حالا هوای نفس یکی شلوار جین است، هوای

نفس یکی دختر بازی است، هوای نفس یکی پول است، هوای نفس یکی عرق خوری است، هوای نفس یکی هم هیأت بازی است، هوای نفس است، خدا نیست، می شود همان قصه ای که من جالب است نگاه می کردم در این کتاب امر به معروف شهید بهشتی، خیلی کتاب جالبی است، امر به معروف و نهی از منکر، حالا چون ایام فاطمیه را دوستان شعار فصل بیعت گذاشتند ایشان از امیر به معروف و نهی از منکر شروع می کند می رسد به تبعیت از امام و اینکه شیعه یعنی تابع امام، آنوقت یک جمله ای ایشان نقل می کند، می گوید یک پزشکی بود از رفقای ما فامیل ما، آمده بود قم، هیأت‌های قم را دید می گوید به خانه ما آمد و ایام عاشورا بود، دسته و علم و کتلی را که در قم راه می انداختند دید، دیدم ناراحت است، بعد گفت فلانی آخر اینجا حوزه علمیه است و آستانه تشیع است، اینها چیست فلان، بعد می گوید انتقاد کرد، من به او گفتم که جالب است این قصه ای که ما همیشه شنیده بودیم من اینجا دیدم مستند، می گوید من به ایشان گفتم که همین امسال که تو می گویی قصه ای در قم پیش آمده است که خیلی شنیدنی است، بعد می گوید که چون آقای بروجردی که مرجع تقلید مطاع شیعیان است از قسمتی از این کارها خوشش نمی آمده و اینها را درست نمی دانستند و منکر می دانستند امسال پیش از محرم رؤسای تکایای قم را به منزل خود دعوت کردند، مثل اینکه که مثلاً جامعه ایمانی مشعر که قبل از محرم جلسه گذاشته است، آقای بروجردی هست حالا، گفتند به اینها بگویید فلان کار فلان کار فلان کار را نکنید، تا این دسته راه انداختن ها لااقل از این عیبها مبرا باشد، اما واکنش آنها چه بود؟ فلان کس سیدی بود سردسته یکی از تکیه های معروف قم، او در پاسخ پیام مرحوم آقای بروجردی گفته بود که البته امر آقا مطاع است، اما از قول ما به آقا سلام برسانید و بگویید سال که سیصد و شصت و پنج روز است سیصد و پنجاه و پنج روزش را ما از آقا تقلید می کنیم، این ده روز را می خواهیم مقلد آقا نباشیم، یعنی شیعه ای که امیرالمؤمنین و امام سجاد و امام حسین و همه اینها آمدند درست کنند می گوید من دلم می خواهد اینجوری باشم، پس هوای نفس است، خدا و پیغمبر و امام حسین و امیرالمؤمنین نیست، این جمع بندی خلاصه بحث بود، سعی کردم خیلی هایش را فاکتور بگیرم، آن چیزی که از این روایت آدم می فهمد این است که زبان رسانه و اضائه با زبان محفلی خصوصی فرق می کند، زبان اضائه زبان کتمان است، زبان مراعات ظرفیت مخاطب است، زبان درک اقتضات شرایط و زمان و مکان است، اما معنی اش این نیست که معارف را پنهان کنیم و دفن کنیم و از بین ببریم، معنی اش این نیست که با دشمن رفیق شویم، معنی اش این نیست که تسلیم شویم، معنی اش این نیست که اسرار آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و مصائبشان را نگوییم، این تعادل و درک این دو با هم، چیزی است که مرضی نظر آنهاست، انشاءالله خدا به ما توفیق بدهد به اندازه ای که زورمان می رسد، به اندازه ای که سهم ماست، به اندازه ای که می توانیم مظلومیت و تنهایی رهبر انقلاب را بدون سرو صدا بدون شعار، بدون راهپیمایی، بدون داد و بیداد در عمل جبران کنیم خدا به همه مان توفیق بدهد، ببخشید من سعی کردم فرصتی باقی، حالا نمی دانم احتمالاً یک ربع نیم ساعت بیست دقیقه ای وقت باشد که دوستان هم

راهنمایی بفرمایند، غلطهای عرایض من را هم بگیرند، راهنمایی بفرمایند و استفاده کنیم، جناب آقای آفروش هم تشریف دارند انشاءالله محضرشان هستیم، یک صلوات ختم کنید. اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

بسم الله الرحمن الرحيم، یکی از دوستان می گفت اگر دو روز از عمرم باقی مانده باشد یک روزش را می روم ونیز یک روزش را می روم مجلس حاج منصور، حالا ما هم اگر دو روز از عمرمان باقی مانده بود یک روزش را دوست داشتیم شما را ببینیم،

خدا حفظتان کند، من آن ونیز بودم دیگر!!!

به خاطر آن قلم زیبایی که داشتید، من احساس می کنم خود این قلم حضرتعالی و این نوشته ها یک نوع رسانه است، یعنی همان بیت الاحزانی که شما می نوشتید و آن چهار؟؟؟ داستان فاطمیه که خیلی زیبا بود و در عین کتمان یک سری را فاش کردید، مخصوصا در آن قسمتی؟؟؟ اما چیزی که الان وجود دارد شما می فرمایید یک روی سیاه هم دارد، اینکه رسانه زدگی هم بعضا در هیأت وجود دارد، من دیدم طرف بر می گردد می گوید انستوگرام؟؟؟؟ دیگر کار نمی کند، حالا مداح است دارد می خواند می گوید وای چقدر بد؟؟؟ کار نمی کند، حالا ویجت را چکار کنیم، واتساپ، مداح یا یک عنصر هیأت خودش احساس می کند که باید مثلا واتساپ و ویجت و؟؟ فیسبوک و اینها را همه دارند این هم ، بعد از یک طرف هم خود آن هیأت،؟؟؟

این فرمایش تان کاملا درست است و به نظر من یکی از آفتهای این حوزه هم همین است، یعنی من یک مثال بزنم، البته خدا باید همه ما را حفظ کند، اگر لطف و عنایت سیدالشهدا نباشد من از خودم، کار به کسی ندارم، نمی گویم نمی دانم، می دانم سر از کجا در می آورم، هر چه هست عنایت و لطف سیدالشهداست که ما همینجوری آویزان ماندیم سر یک نخ، و به مویی بند هستیم، ولی دیدیم در سالهای اخیر که مثلا طلبه هایی رفتند سینما یاد بگیرند که برای مثلا اهل بیت و دین و حوزه علمیه و این حرفها، بعد از چند سال طرف لباسش را در آورده، بعد از چند سال سر از جاهای دیگر در آورده است، الان طرف دارد در پاریس آش دیگران را هم می زند، در حالیکه یک روزی طلبه همین مدرسه معصومیه در همین قم بود و خیلی هیأتی و خیلی حزب اللهی و خیلی انقلابی و اینها بود، خوب شد غلامی که آب جوی آرد، آب جوی آمد و غلام ببرد، وقتی ما این کارها را شروع کرده بودیم استادهايمان می گفتند اگر هر شب التماس نکنید به درگاه خدا، هر شب سر به سجده نگذاری، هر صبح زیارت عاشورا نخوانی معلوم نیست سر از کجا در بیاوری، ستون شناسایی وقتی می رود از دو طرف می خورد، کار رسانه در این دوره زمانه مثل کسی است

که شب عملیات دارد می رود شناسایی، معلوم نیست چه بلایی سرش بیاید، معلوم نیست بعد از عملیات جنازه اش هم برگردد یا نه، این همان نکته ای است که می فرمایید، یعنی گاهی انسان می بیند که مثلا دارم می گویم بچه ها بارها از من پرسیدند، بچه های هیأتی هم پرسیدند، که حاج آقا مثلا یک دختری هست ما می خواهیم جذبش کنیم، یا خانم آمده پرسیده دختر طلبه خیلی محجبه، آقا یک پسری هست در دانشگاه من احساس می کنم می توانم این را جذب کنم، بابا بی خیال، خدا که جذب همه عالم را از من و تو نخواسته که، این گاهی وقتها این است، من به خیال اینکه اگر چنین، این را چون به سر خودم آمده دارم می گویم، من به هیچ کسی کار ندارم، همه اینها را خودم لمس کردم، تجربه کردم، سرم به دیوار خورده است، دیدم، که یک ذره ناشی گری معلوم نیست چی به سر آدم می آید، لذا خیلی مراقبت می خواهد، هر روز، اینکه مؤمن باید بین خوف و رجا باشد یعنی همین، یعنی دائم هی این مراقبت را برای خودش داشته باشد، که آیا من این چقدر کارم درست است، چقدر دارد درست پیش می رود، خیلی از بزرگترهای ما گفتند حتما این جور وقتها باید کسی باشد که کنترل کند، اینکه ما اصرار داریم روحانی محور هیأت باشد برای این است، یک روحانی صالح، امام صادق صلوات الله علیه می فرمایند: اینکه بنشینم در یک مجلسی، در همین اوائل جلد دوم بحار است، اینکه بنشینم در مجلسی به حدیث و سخن و روایت خواندن کسی که اثق به، به او اعتماد دارم گوش کنم این از یک سال عبادتی که شب تا صبح نماز شب بخوانم صبح تا شب روزه باشم برای من ارزشش بیشتر است، یک جلسه، یک ساعت حضور در یک هیأت سالم به درد بخور منبر حسابی، آیت الله جوادی آملی به تعبیر من، رهبر انقلاب به تعبیر من، آقای قرائتی مثلا، این از اینکه یک سال عبادت کنم برای من بیشتر ارزش دارد، آن آدم اگر پیدا شد آن می تواند آنوقت به من کمک کند، آقا این مطلب چقدر جواب می دهد؟ این فیلم ساختن چقدر توجیه دارد؟ این فرض کنید مقاله نوشتن چقدر توجیه دارد؟ من می خواهم نشریه درست کنم، اینهایی که می گویم ما دیدیم دیگر، نشریه هیأت فلان بهمان، دو روز دیگر می آیی می بینی فرض کنید دختر و پسر قر و قاطی، این چیست؟ داریم کار رسانه ای می کنیم برای مثلا نشر معارف... اینها اقتضاست دیگر، نه، کی گفته اینها اقتضاست، این آن چیزی است که حساس است، طبیعتا انتظار نداریم در پنج دقیقه و ده دقیقه همه این نسخه اش را بیچیم، عرض کردم اگر بخواهیم وارد این زوایا شویم خودش یک بحثهای مستقلى است، من سعی کردم فقط سرفصلها را عرض کردم.

خواهش این است که دوستانی که می خواهند صحبت کنند چون زمان را هم خیلی به تنگنا افتادیم، هدف اصلی جلسه هم این بود که حرفهای دوستان را بشنویم اگر بخواهند دوستان وقتی به سؤال بپردازند و حاج آقا هم ناچار جواب بدهند زمان خیلی بیشتر از دست می رود، من خواهش این است که دوستان اگر نقطه نظرانی دارند،

بسم الله الرحمن الرحيم، عذرخواهی می کنم از دوستان، ای جلسه الان ظرفیت این را دارد که ما فقط طرح مسأله کنیم، و آسیبهایی که در جریان رسانه هست را بیشتر به آن بپردازیم، حالا حاج آقا امروز زحمت کشیدند رفتند سمت جریان وحدت و رسانه و کلا این قسمت را باز کردند که حتی این احادیث؟؟؟ که می فرمایید را قسمت بعدی اش را برای ما می خواندند، کتمان سرنا و بقیه مطالبی که فرمودید را ربط می دادند به جریان امام زمان، یعنی می گفتم سرّ اهل بیت امام زمان هست، در این بازه زمانی باید این کتتام صورت می گرفت و هر کسی کتمان نمی کرد و اینها در این مباحث ایشان صحبت می کرد، گستردگی موضوعاتی که در بحث رسانه داریم اصل قضیه ای که ما داریم بررسی می کنیم این است که هیأتها جنس رسانه را نمی شناسند و مثل سینمای خودمان و مثل تلویزیون خودمان کپی طرح را می گیرند و می آیند انجام می دهند، و شما در حال حاضر فیلمهایی که از هیأت پخش می شود و در جمع می بینید که شما اگر مثلا تصویر را نبینید صداها شبیه اکس پارتی است، تصاویر و محتوی را نبینید شده شبیه شوهایی که دارند اجرا می کنند، حرکتهای دوربین، کرین فلان، رقص نور، کارهایی که دارند انجام می دهند، آنها فکر می کنند که اینها جذب هست، من چند وقت پیش با یک واسطه شنیدم نمی دانم درست باشد یا نه، گفتند یک مصاحبه ای با آقای کریمی داشتند ایشان گفتند که، از ایشان سؤال کردند چرا می روید به سمت این نوع سبکهای مداحی؟ ایشان می گویند که چون جوانها کشش دارند به سمت این نوع سبک مداحی، خوب جوانها به خیلی چیزهای دیگر هم کشش دارند، اگر ما مسیر رسانه و ابزار رسانه را در جهتی استفاده کنیم که با آن جهت اصلی همخوانی ندارد هدف وسیله را توجیه می کند، یعنی عملا دارد این اتفاق می افتد و بعد هم مدیران هیأت و حتی روحانیون هیأت به ابزار رسانه آشنایی کامل ندارند، خوبیهای واتساپ و؟؟ این چیزها را می دانند اما آن ظرفیتهای دیگری که ایجاد می کند را نمی دانند، اگر ما بتوانیم در جامعه ایمانی مشعر فرصتی ایجاد کنیم که جریان رسانه و درست و غلط بودن را درست تبیین بکنیم، یعنی ما اینجا حرفمان این باشد که اگر از این رسانه استفاده کنیم به این صورت آسیبهایی نیست، موارد مغفول هم اینهاست، این جاها را هم باید بیشتر توجه شود فکر می کنم بهتر صورت بگیرد، چون ما خیلی در حاضر با اینها مشکل داریم، در بحث نواسازی، در بحث سبک سازی، حالا من یک انتقادی که شاید جایش هم نباشد عرض می کنم خدمتتان، ما نمی دانم از بچه های یزد کسی اینجا هستند یا نه، هیأت انصار یزد کار خیلی قشنگی در بحث کار پایانی شان انجام می دهند، این کاری که ما برای کار پایانی که برای محرم حاج آقا سلحشور کار کرده بودند، امسال کار کرده بودند من

جسارتاً عرض می‌کنم این کار در حد این کارها نبود، یعنی ما از افکت سینه زنی استفاده کردن از این نوای دیجیتالی استفاده کردن ما داریم می‌بینیم خیلی از هیأت‌های دیگر خیلی کلاس بالا، خیلی فناوری بهتر و در حد مجموعه استفاده می‌کنند، ولی ما اینجا این ضعف را دیدم، حالا نمی‌دانم این ضعف را فقط من دیدم یا دیگران هم در این مورد صحبت کردند یا شاید بیشتر در جریان باشند در بحث نوای پایانی هیأت که امسال کار شد، ظرفیت ظرفیت خوبی بود، بنده و هر کسی که در اطراف خودم بودند گوش کردند نپسندیدند، چون از مسائل و نوای دیجیتالی به آن صورت استفاده شد و از افکت سینه زنی استفاده شده بود و بقیه موارد، اگر بشود این موارد را بیشتر تبیین کرد تحلیل کرد انشاءالله می‌توانیم در این زمینه هم موفق تر باشیم، عذر خواهی می‌کنم ببخشید.

ممنون، دست شما درد نکند، من فقط خلاصه عرض کنم که با آقای محمد حسنی در سازمان رسانه ای اوج یک توافقاتی کردم ما کارگاه‌های بعدی مان، همایش‌های بعدی را به سمت کارگاهی داریم می‌بریم، دو تا سه تا همایش عمومی شاید این وسط تعریف کنیم، یعنی سالی یک بار جمع شویم مثلاً قبل از محرم، به عنوان یک همایش عام هیأت‌ها، و رویکرد اینها را داریم یک مقدار تخصصی می‌کنیم، یکی از کارگاهها را بحث همین سواد رسانه قرار دادیم، اگر اتفاق بیفتد انشاءالله از دوستان رسانه ای هیأت‌ها دعوت می‌کنیم در آنجا این اتفاقات خوب بیفتد، آقای شعله کار نوبت گرفته بودند

بسم الله الرحمن الرحيم، ماشاءالله آقای آبروش اینقدر کیفیتهای محتوایی کارگاهها بالاست من حالا مجبورم؟؟؟ واقعا جای تشکر دارد که به عنوان یک مخاطب عرض می‌کنم واقعا این بحث کارگاهها جای تشکر دارد، غوغایی در؟؟ برپا کرده، خدا انشاءالله.

من دو تا مطلب داشتم یکی بحث تفاوت رسانه هیأت و هیأتی های رسانه، این بحث هیأتی های رسانه چه توقع دارید، یعنی برای اینکه ورود کنید در؟؟؟ دوستانی که در رسانه الگو هستند برای؟؟؟ قدیمی های هیأت به حساب، و اینکه ظرفیت رسانه ای بودنشان چقدر در اختیار هیأت است و این وسط ما اعتقاد داریم که رسانه شیعه هیأت است یا خیر؟ یک ذره دو گانه ایم، اینکه حالا رسانه مان هیأت است، خود هیأت رسانه ماست یا رسانه اش رسانه ماست؟ کدامشان مد نظر است؟ بحث دوم اینکه ما یک بحثی یک ذره بچه‌هایی که می‌آیند داخل هیأت و می‌روند بحث رسانه ما باید مطالبه گر باشد در هیأت یا نه؟ یا اینکه مثل؟؟ شما بروید مثلاً مطالب تان از ده تا دوتایش هم نقد هست و صداهایی را در بیاورد، این بچه های هیأت رسانه، یا رسانه های هیأتی

باید مطالبشان که کار رسانه ای می کنند صدا هم در بیاورد، حتی به نام هیأت تمام شود، این می آید در بحث هیأت طراز انقلاب ورود کند و نکته بعدی اینکه اگر ما بخواهیم ورود کنیم به هیأت‌های کلا رسانه ای، یعنی یک رسانه ای باشد که فقط هیأت باشد، نه مثل سایت عقیل؟؟ و غیره که مثلا محتوی بدهند، رسانه ای باشد که به صورت مدام کار هیأت را انجام بدهد مثل سخنرانی و مداحی، این خوراک مردم برایش وجود دارد؟ می توانیم به امر ورود کنیم؟ و نکته آخر اینکه من نمی دانم چطور شما می بینید، حالا این را آقای؟؟ بهتر می دانند یک نوع لشکر سایبری داشته باشیم از هیأتی ها، این با ظرفیت رسانه ای های هیأتی در می آید یا هیأتی های رسانه ای که مثال عرض می کنم مثلا ما بگوییم که آقا ما با توجه به اینکه حضرت آقا آن جریان را گفتند یک تحول راه افتاد بچه های لشکر سایبری مثلا هر هیأتی ده نفر رسانه ای هستند لشکر سایبری همه بیایند مثلا بگوییم فروردین ماه اشاعه فرهنگ نماز است، همه این رسانه ای هیأت به این قصه روی کنند. بخشید.

اختیار دارید، من اگر اجازه بدهید سریع عرض کنم برای اینکه از وقتان هم استفاده کنیم، بحث هیأتی های رسانه که فرمودید به این بحث آخری هم مربوط است من با هم می خواهم عرض کنم، ظرفیت رسانه ها یکی از امتیازاتش این است که قابلیت های خیلی جدیدی را به سرعت در اختیار ما قرار می دهد، مثلا قبلا اگر کسی می خواست کار رسانه ای بکند زمان مطبوعات چاپی باید مثلا یک چیزی حداقل حدود بیست سال بیست و پنج سال کار می کرد تا به یک سطح حرفه ای برسد، الان با ظرفیت رسانه های دیجیتال واقعا طرف گاهی وقتها پنج سال چهار سال ده سال در همان سطح از کار حرفه ای و قدرت دارد کار می کند، این خودش یک فضایی ایجاد می کند اتفاقا به نظر من جبهه انقلاب خوب می تواند از آن استفاده کند، ما در یکی از هیأت‌هایی که خودمان در تهران ثابت داریم یکی از این بچه ها رفت آمریکا برای تحصیل، چند وقت پیش آمده بود دیدم چند سال که آنجاست اینها خودشان اصلا یک چیزی راه انداختند، شده تشکیلاتی، بچه هیأتی انقلابی اینجا رفته آن طرف بعد جالب است مثلا سیاه پوستهای شیعه آمریکایی با سبک مثلا فرض کنید رپر های خود آنجا طرف در عزاداری امام حسین دارد زار زار گریه می کند، نوحه ما را برداشته دقیقا گرته برداری کرده، خوب یک اتفاقاتی دارد می افتد، سایت دارند، فلان دارند، یک تشکیلاتی، این اتفاقا به نظر من یک ظرفیتی است که اگر درست هدایت شود یک جاها و نهادهایی مثل خود مشعر یا جاهای دیگر بتوانند سازماندهی بکنند به نظر من اتفاقا بیشتر از آنچه که ما فکر می کنیم می تواند کارایی داشته باشد، ولی یک تدبیری می خواهد و هماهنگی، راجع به آن بحث مطالبه رسانه های هیأتی که فرمودید اتفاقا به نظر من ویژگی هیأت طراز انقلاب این است که تسلیم و منفعل و مدهانه جو و مداراگر با هر چیزی نیست، تعهد دارد، یعنی بنا دارد به پای انقلاب بایستد، به هیچ کسی هم وامدار نیست،

غیر از خدا و امام زمان و اهلیت و ولایت فقیه و شهدا و اینها، یعنی قرار نیست ما چون حالا جای این بحث اینجا نیست نمی خواهیم بحث منحرف شود، یکی از خطرهای و آفت‌ها این است که من با امام و انقلاب و شهدا شروع کردم بعد سواری بدهم از گرده خودم و هیأت به آقای فلانی که می خواهد برود مجلس، بعد هم به ریش همه بخندد، قرار نیست این اتفاق در هیأت بیفتد، اینجاست که به نظر من بچه هیأتی باید کاملا مطالبه گر باشد، رسانه هیأت هم باید پرسشگر باشد، منتقد باشد،

خوب در مورد صفات بومی ??? نظرات هست؟ مثلا هیأت رزمندگان ورود می کنند در مسائل سیاسی و ???

این می خواهیم بگویم این مسأله در عاشورائیان اصفهان هم پیش آمد، یا خیلی جاهای دیگر، الان من نمی خواهیم وارد این بحث شوم، چون هر کدام از این فایلها را باز کنیم جای دیگر می رویم، و نکته آخر هم که فرمودید اینکه یک رسانه ای کاملا کارکرد هیأت داشته باشد قابل تصور هست یا نه، تجربه عینی اش را اهل سنت در کانالهای تلویزیونی مختلفی مثل مجد و اینها دارند، یعنی یک کانال تلویزیونی بیست و چهار ساعته دارد فقط قرآن پخش می کند، بعد آمدند مجد حدیث را راه انداختند فقط بیست و چهار ساعت دارد حدیث پخش می کند، صرف اینکه آیا قابل تصور هست یا نه بله، اما اینکه این چقدر می تواند موفق باشد یا اگر بخواهد موفق باشد باید چکار بکنیم آن یک بحث دیگری است، علی القاعده شما می دانید تجربه مسیحی در این قصه خیلی موفق بود، آمدند چکار کردند تجربه مسیحی و جریان اوانجلسیم، الان کلیساهایی دارند می سازند از اول کلیسا استودیوی تلویزیونی است، یعنی از زمانی که کلیسا را می سازند به عنوان استودیو می سازند، به یک تجربه هایی رسیدند، من یک مثال بزنم، یک مجله ای بود به اسم کریستین برود کستینگ، اختصاصا راجع به تجربه رسانه مسیحی بود، خیلی جالب بود که ما نمونه اش را هم داریم، می گوید آقا ما مناسبتهای تراژیک و غمناک و حزن آلود را نمای بسته از چهره افراد نمی گیریم، چون وقتی شما وسط دعای کمیل و عزاداری روز عاشورا چهره بسته طرف را نشان می دهی قیافه دفرمه و قیافه در هم رفته و اشک سرازیر و آب بینی اش راه افتاده، در تلویزیون و مدیون رسانه نه تنها درک نمی شود بلکه در ذوق طرف مقابل هم می خورد، اما شمایی که آنجا نشستی چی؟ شما که کنار او نشستی دارد زار می زند و ضجه می زند حس می گیری، کیف می کنی، لذا رسیده به قاعده، این نکته مهم است، به قاعده رسیده است، می گوید ما مناسبتهای تراژیک را نماز باز می گیریم، مناسبتهای شاد را نمای بسته، برای شما وقتی طرف مثلا دارم می گویم نیمه شعبان داری از عظمت امام زمان صحبت می کنی و آنهم بیرونه بعیدا و نراه قریبا، با این حال هر چه لبخندش را دقیقتر بگیری طرف از آن طرف تلویزیون این حس را دریافت می کند، حالا ما چکار می کنیم؟ شب جمعه دعای کمیل تلویزیون می رود زوم می کند روی قیافه یکی اینجوری بعد می شود روی یوتیوپ دست به دست می گردد، می خواهیم بگویم این آن بخشی است که ما برای آن کار

دقیقا به آن نیاز داریم برای اینکه عملیاتی اش بکنیم، البته خوب طبیعتا اول راه هستیم، ببخشید من اجازه می خواهم حاج آقا چند بار قرار بود صحبت کنند نفرمودند، راحت باشید بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم، من پنجاه و شش سالم است بیست سال در زمان طاغوت؟؟؟ به هر حال زمان طاغوت کار کردیم و نتیجه اش را دیدیم، انقلاب کردند و مردم با هم متحد شدند؟؟؟؟ ولی امروز متأسفانه ما شاهد یک سری مسائل از روحانیت هستیم، چرا؟ چون روحانیت هم محرم هست هم محور است، متأسفانه یا بعضی هایشان بی سواد هستند یا بعضی هایشان مریض هستند، حالا من مثال خودم را بگویم، من روحانی آمده، روحانی جوان آمده ادعا می کند دارد درس می خواند، تحصیل کرده است، روبه راه است، حدود چهل تا بچه جمع کرده است در مسجد؟؟؟ ورزش می کنند وضو می گیرند نماز می خوانند، می گویم حاج آقا من این را تا اینجا آوردم، حتی جعبه شیرینی می گیرم هر شب دست حاج آقا می دهم می گویم بیا خودت بده، می گوید من چکاره ام؟ شما خودت بگیر، خودت جمع کرده ای، ولی متأسفانه غافل از اینکه یک دانه از آن شیرینی ها را بیاورد بدهد،؟؟؟ فراموش می کنیم اصلا،

به ماهم نمی دهد،

حاج آقا ببینید، ایندقر که مردم به شما اعتماد دارند، به آن لباس اعتماد دارند چون من می دانم یک قضایایی هست یک روحانی هست در شهر ما،؟؟؟ بعد من آمدم به این جوان گفتم چرا دیگر نماز جماعت نمی آیی؟ گفتند به این حاج آقا اعتماد نداریم، پشت او نماز نمی خوانیم، شش ماه نکشید جوان ازدواج کرد عقدش را هم همین حاج آقا خواند، بعد از دو ماه رفتم گفتم چرا نمی آیی مسجد؟ گفت؟؟؟؟ گفتم می دانی چی شده؟ گفت چی شده؟ گفتم همین حاج آقایی که نامحرمی را به تو محرم کرد الان داری لذت می ببری،؟؟/ این مشکل دارد حاج خانوم؟؟؟، الان صف اول نماز جماعت است، من می گویم روحانی باید اصلا روانشناس باشد، این یک موضوع، یک موضوع دیگر هم اینکه حالا شاید آن مقداری که این جوانها اطلاع دارند ما اطلاع نداشته باشیم، ما آدم قدیم خودمان هستیم، من می گویم سنتها را زیاد نباید به هم بزنیم، مثلا همه جا جمع می شوند صحبت می کنند می گویند یا از امام جمعه یا از سازمان تبلیغات، آقا یک دفعه جمع شوید یک جا، بابا تو خودت را در خدمت اینها بکن، من؟؟؟؟ ده کیلومتر پانزده کیلومتر حوزه حوزه کنم تا بروم آنجا برسم، او باید بیاید اینجا تا ببینیم چکار باید بکنیم، ما متأسفانه خیلی هم گفتم، الان خدمت حاج آقا گفتم مردم همین مردم بیست و دو بهمنی هستند، با تمام این

فشارهایی که رویشان بود، با تمام توطئه‌هایی که اخیراً کردند بیست و دو بهمن آمدند در دهان آمریکا که هیچ چی، او آن طرف قضیه، در دهان آن کسانی که دارند اخلاص می کنند در جامعه زدند، مردم درست هستند، ولی محورها، چون محور اگر کج باشد مردم به حول آنها می گردند، محور باید درست باشد، من خواهشی که از شما دارم الان شما ما خدمت شما هستیم الحمد لله، شکر خدا استفاده کردیم، من یک کمی اخلاقم به هم ریخته به دلیل اینکه خیلی عذر می خواهم همش ما الان از صبح تا حالا از موضع ضعف صحبت کردیم، که دشمن دارد چکار می کند، فلان چکار می کند، فلان چکار می کند، من می گویم پنجاه و هفت سالم هست دیگر ظرفیت ندارم، این چه وضعی است، ولی اگر یک قوت قضیه در این قضایا بود روحیه ام شاد می شد، من خواهم این است که این بحثهای تکنولوژی پیشرفته را الان زیاد وارد به دست خود هیأتها نکنید، چون اینها جوان هستند دیگر، اطلاعاتشان کافی نیست، ممکن است یک مرتبه لو بدهند، یعنی اگر این بحث تکنولوژی محوریتش همین قم باشد خوراک را بگیریم، ما خوراک را بگیریم ولی دیگر دستش را باز نگذاریم تا خدای نکرده سایت بزند، فلان بکند، کارهای نپخته شاید بعضی موقعها انجام شود در بعضی وقتها، ممنون

ممنون، من فقط یک نکته در تأیید فرمایش شما عرض بکنم، همه اینهایی که فرمودید درد دل های خود ما هست، حالا فرصت نیست، بیشتر از این نمی خواهم عرض کنم ولی یک نکته عرض کنم، یکی از آن چیزهایی که اتفاقاً اسباب قوت قلب ما و امید ماست همین ظرفیت رسانه ای است، ما فیسبوکی که در کشور خودمان با آن مشکل داریم بعضی از دوستان شیعه ما در اروپا می گویند بیشترین تعدادی که ما داریم به شیعه دعوت می کنیم از طریق فیسبوک است، یعنی می خواهم بگویم این رسانه ها اتفاقاً تیغ دو دم است، همانقدر که می تواند برای ما تهدید و خطر باشد همان قدر زمان ظهور امام زمان صلوات الله علیه دنیا را با حضرت صاحب الزمان آشنا می کند، مهمترین ویژگی امام زمان صلوات الله علیه در قیامشان انتقام خون سید الشهداء است، چیزی که از قیام سید الشهداء فهمیده می شود این است که زمانی که امام عصر صلوات الله علیه ظهور کنند یک فهم ابتدایی عمومی در دنیا نسبت به مظلومیت سید الشهداء باید وجود داشته باشد، و الا معنی ندارد امام زمان خطاب به اهل عالم بگوید من آمدم انتقام خون جدم را بگیرم بعد هیچ کسی نفهمد ایشان چه می گوید، پس معلوم می شود آن موقع این فهم عمومی وجود دارد، خوب شما الان نگاه می کنید این فهم عمومی را رسانه ها دارند ایجاد می کنند، تلویزیونهای دنیا، سایتهای مختلف، رسانه های مختلف هر سال عاشورا و محرم دارند این موضوع را منتشر می کنند، شاعر و نویسنده مسیحی دارد راجع به امام حسین شعر می گوید، برنامه ساز یهودی، ما در ایران، همین ایران خودمان شاعر یهودی و کلیمی داشتیم در همدان برای امام حسین و حضرت عباس شعر می گفت، خوب این ظرفیت رسانه ای

اتفاقا می خواهیم بگویم امیدبخش است، یعنی همین است که قوت قلب است، درست است که ما داخل کشور مشکلات و اینها زیاد داریم، ولی خارج از کشور شما می بینید این پیامی که به برکت خون شهدا و نفس امام منتشر شده الان هم با پایمردی حضرت آقا دارد روز به روز بیشتر منتشر می شود، یدخلون فی دین الله افواجا، این را هم بگویم از باب مزاح، یک نشستی حدود ده دوازده روز پیش بعد از بیست و دو بهمن اقلیتهای مذهبی تهران جمع شدند برای جشن انقلاب، ارمنی و یهودی و زرتشتی و صابئی اینها همه جمع بودند، قرآن برنامه را یک دختر ارمنی آمد خواند، در مهد کودک قرآن یاد گرفته بود، تا اینجایش هم ایرادی نداشت، خیلی هم برای همه جالب بود، آیه ای که انتخاب کرد خواند این بود، یدخلون فی دین الله افواجا، کلی جماعت آقایان و علما و مسئولینی که آمده بودند کلی می خندیدند، می گفتند خودش با پای خودش با زبان خودش پدر و مادرش هم تشویقش کرده بودند مهد کودک، الان یدخلون فی دین الله افواجا است، یعنی خود طرف می آید با این شوق و انگیزه، شما اروپا را نگاه کنید ماه رمضان سال گذشته تلویزیون رسمی، کانالهای محلی در انگلیستان اذان پخش کرد، یعنی در واقع ما به جایی رسیدیم که اینقدر فراگیر است پیام اسلام و پیام رسول اکرم صلوات الله علیه، منتهی عرض کردم دوتاش را باید با هم دید دیگر، هر دو کنار هم.

من می گویم زیاد از ناامیدی فقط صحبت نکنید، قوتها را هم بگویید.

بله فرمایستان درست است،

(آبفروش) من برای اینکه یک حس بشارتی هم باشد و تبشیری، یک خبر خوش عرض کنم، این فیلم شیار ۱۴۳ را که امشب خواهیم دید آن الهامی که گرفتند مادر شهید صبوری است، مادر شهید صبوری را در تلویزیون اگر دیده باشید آن مستند را، آن مادری که تصویر عکس بچه اش دستش است و می آید دنبال کاروان شهدا و می گوید بچه من را ندیدید، امروز خبر دادند که این شهید شناسایی شد، اللهم صل علی محمد و آل محمد. خبر را سردار باقر زاده اعلام کردند که این کارهایی که سر دی ان ای و اینها می کنند شهید شناسایی شده و بعد از سالیان سال که همین اخیرا که ایشان در همین تقدیر از فیلم شیار آمدند روی صحنه گفتند من آرزویم این است که یک انگشتی از شهید من از این شهید غریب برگردد، خداوند خیلی زود این دعای مادر را استجابت کرد و امروز این خبر خوش رسید، به هر حال این را هم گفتیم که در کنار همه اینها بشارتی باشد، حاج آقای رضایی از قبل داوطلب بودند، بفرمایید فقط من یک نگرانی دارم، البته استفاده کردیم، خیلی برایمان باعث برکت بود، هر چند این را هم عرض کنم دیگر از صبح ما خدمت حاج آقای زائری نبودیم، این عزیز دل را در واقع ما برای همین جلسه مزاحمشان شدیم و تشریف آوردند، یک نکته ای هم لازم بود من ابتدایی جلسه عرض کنم ما قبل از این توفیق پیدا نکرده بودیم در حرکت مشعر در خدمت حاج آقا باشیم، معذرت خواهی هم کردیم، خیلی ناگهانی و وسط عملیاتی این دیدار صورت

گرفت، ولی امیدواریم که انشاءالله در ادامه حرکت استفاده بیشتری بکنیم، همینجا از حاج آقا قول می گیریم که در همان حرکت رسانه ای و اتفاقات دیگر حتما و حتما از حاج آقا استفاده کنیم، قبل از اینکه آقای رضایی هم فرمایشاتشان را داشته باشند یک بشارتی هم به هم به حاج آقا عرض کنم و هم به دوستان، الحمد لله در این جریان رسانه ای اتفاقات ویژه و عجیبی در این دو سه سال در هیأتها اتفاق افتاده است، شروع ماجرا در یکی از شبکه ها آمده که من بسته هایی که خدمت دوستان دادیم این را به تفصیل در اختیارشان قرار دادیم، تجربه نگاری شد، انتقال تجربه شد، یک نشریه ای به عنوان رسانه هیأتها آن استان منتشر شد، حالا تا حدی اش را هم شما در جریان بودید، هیأت امروز که آمد حتی در یکی از سرمقاله ها یادداشت میهمانش را دوستان خدمت شما بودند، هیأت امروز بعد از اینکه منتشر شد تمام رکوردهای رسانه های مکتوب آن شهر را زد، یعنی از جهت کیفیت انتشار تمام نشریات و رسانه هایی که در این قالب از قبل از انقلاب داشتند حکومت می کردند و صاحب ادعا بودند کلید گاراژ را گرفتند و رفتند در گاراژ و از زیر هم کلید را انداختند بیرون! این اتفاق بعد رفت در گردون تکثیری قرار گرفت، آقای رضاپور که در واقع در جریان اجرایی جلسات را به عهده داشتند در مازندران بانی شدند علمدار در آمد، دوستان لرستان هیأت امروز لرستان را رقم زدند، بچه های اهواز روضه را منتشر کردند، بچه ها در کاشان نشریه بیرق را در آوردند، بچه های عشاق الحسن، دوستان گلستان دیانون را درآوردند و این ماجرای هیأت امروز استانها الان در حال تکثیر است، و امیدواریم در همایش بعدی ما در سی و یک استانمان این ماجرا را داشته باشیم، علمدار که در مازندران در آمد دوباره همین اتفاق تکرار شد، یعنی تمام ظرفیتهای رسانه مکتوب استان به عنوان نشریات و مطبوعات اقرار کردند که تا الان در این استاندارد کار نکرده بودند، ما امیدواریم حالا به صورت تخصصی حالا بشارتی که عرض کردم دیگر شد حاج آقا جلسه بشارتها، آن کمیسونها و کارگروهها و حالا کارگاههای تخصصی که انجام می شود یک بخش آن را به صورت ویژه در بحث همین نشریات هیأتی خواهیم گذاشت، در آن جلسه هم انشاءالله حاج آقای زائری کمکمان بکنند، استفاده بکنیم، و امیدواریم که دوستانی که از استانهای مختلف خدمتشان هستیم این انگیزه پیدا کنند و شروع این ماجرا را استارت بزنند، البته در همان همایش قبل یک اجمالی از این فرایند خدمت دوستان عرض شد، جناب آقای رضایی رابط استانی مشعر هستند در استان فارس خدمتشان هستیم بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم، ضمن عرض خسته نباشید خدمت همه بزرگواران حاج آقا این بحث چالش جدید و جدی که در بحث آقایان شیرازی فرمودید، حالا در همین بحث عبدالزهره که به قول فرمایش شما صفایش را اینجا می کنند، در سوریه و این طرف و آن طرف دارند حتی در جلسه رابطین در زاهدان داشتیم یک مطلبی را می گفتند، متأسفانه این قضیه هست، من حتی در آن جلسه گفتم شیراز ما متأسفانه ورود کردند و پولهای کلانی هم خرج می کنند اما به حالا

بحث شما آن آشنایی دوستان است، مثلاً من الان راجع به شهر شیراز همین الان دوستان دو سه تا آمدند، خیلی نگران هستم چون آنجا تأثیرگذاری شان بیشتر است، اما متوجه شدیم با یک دانه کلیپ نوعاً عوض شدند، چون هیچ شناختی نداشتند که الان موضع آقایان شیرازی ها، این وضعیتی که الان عموماً هست این چیست، من به ذهنم می رسد برای پیشنهاد، یعنی اگر یک مقدار اینطور که هست اینها را ما بیاییم یک آن خط دهی منبری هم مشخص شود و به صورت کلیپ یک دقیقه دو دقیقه پنج دقیقه، لازم هم نیست حتماً گفته شود، الان شما در همان کلیپ آقایان شیرازی ها بحث شبکه سلام، نگاه کنید ایشان خیلی راحت شهید مطهری را زیر سؤال می برد، خوب آن خود به خود وقتی آن جوان هیأتی این را متوجه شود مسلماً دیگر خیلی مراقبت می کند.

آقای بهجت و حضرت امام و آقا...

بله، آن کلیپ خیلی حتی... لذا این قضیه را حالا هم بحث عیدالزهره، الان ما در شیراز هیأتی داریم که نشستیم صحبت می کنیم اصلاً تفسیر به رأی می کنند، آقا در سندج اینجوری گفتند سال هشتاد و دو اگر درست بگویم، بعد اخیراً هم در کارگزاران حج صحبت کردند، خوب این بیاییم یک برنامه ساز دوستانی که خوش ذوق هستند بشود یک کلیپهایی اینها در اختیار این هیأتها قرار بگیرد، و قطعاً تأثیر گذار هست.

(آبفروش) یک بشارت دیگر هم بدهم خدمتان، با دوستان بوشهر یک اتفاقی در بوشهر که این هم خیلی جالب بود، آن هم خود شهر بوشهر هم نه، یکی از شهرستانهای بوشهر، یک کار خیلی ویژه ای شروع کردند، احتمالاً دوستان دیدند، صوت المستضعفین، صوت المستضعفین را خیلی فکر نمی کردند این اتفاق دارد در بوشهر شکل می گیرد، فکر می کردند در تهران است یا نهایتاً قم، این را عرض می کن خدمت شما بچه ها در آنجا کار را می کنند، ما با آنها هماهنگ کردیم داریم مقدمات هیأت تی وی را فراهم می کنیم، که این هیأت تی وی بیس رسانه ای سنگین نمی خواهد که بروی مستند آنچنانی و دوربین نمی دانم چی خواهد و فایل اچ دی، نه، با موبایلش هم می تواند کلیپ را بسازد، بعد شما نگاه کنید در ظرفیتی مثل محرم چند هزار جلسه دارد برگزار می شود و از هر جلسه چند تا کلیپ های یک دقیقه دو دقیقه می تواند در بیاید و اینها در نمی آید، خیلی از آقایان علما منبر می روند مجلسشان خروجی ندارد، چون مثلاً ممکن است رسانه ای نباشد یا هر چی، ما در آنجا بنایمان این است، هم آموزش هیأتها در ساخت کلیپهای کوتاه و مختصر و جمع و جور، و هم انعکاس این ماجرا، یعنی این بیاید در اختیار هیأتها قرار بگیرد، هر هیأت کلیپش را در اختیار آنها قرار بدهد این اتفاق بیفتد، من یکی از دوستان با همین کلیپ لعن اینها که آقای بهجت را می

آید اینجوری بی انصافی می کند و لعن می کند گفت من خیلی از جریانات همین پیروان و عاشقان این دوستان را کاملاً متزلزل کردند، و البته آنها هم از ما تشکر می کنند، یعنی این طرف هم خطایی که ما می کنیم و کلیپ هایی که از ما می رود آن طرف، تشکر مولوی عبدالحمید بود، که گفته بود ما هر کاری می کردیم گرایش اینها اینقدر نمی شد، یعنی دو طرفه باید این رعایت را داشته باشیم، آقای اخلاقی همین اقرار می کنند همین امسال در قم دسته ای در آمده بود حاج آقا؟ الاغ را برداشته بودند رویش پوشش قرمز انداخته بودند، کت قرمز تنش کرده بودند، در همین میدان آستانه روز نه ربیع دسته در آورده بودند، سال قبل حدود صد نفر کامل با کت و شلوار قرمز دسته شان آمد در میدان آستانه درگیری شد متفرق شدند،

برای چی لباس قرمز می پوشند؟

روز نه ربیع روز جشنشان است، برای جشن گرفتن و اینکه رفع قلم شده هر کاری می شود کرد نماد اینکه هر غلطی می شود انجام داد که سردسته این جریان را هم ما پیگیری کردیم رضا قصاب که این جریان در کاشان بعد از فوت سید ذاکر، رضا قصاب هم همان زمان محوریت جلسه و هیأت آنها را رضا قصاب داشت اداره می کند، الان هم این جریان را ادامه می دهند، در بعضی از هیأتها هم فیلمهایش هم در آپارت و یوتیوپ و اینها هست، غالباً در هیأت به عنوان میاندار ایستاده است، یک قلاده گردنش است و چند تا قفل و اینها از او آویزان است، حاج آقا همین امسال اربعین دسته اینها بین الحرمین را قرق کرد، فکر می کنم عددش الان در خاطر من نیست ولی تا دوی آن را یادم است، نمی دانم سیصد و شصت و دو یا سیصد و پنجاه و دو تا مثلاً با خودشان آدم آورده بودند اربعین کربلا، عراقی ناراحت شده بودند به خاطر قمه زنی اینها، می گفتند ما در اربعین قمه نمی زنیم، خود ما که مثلاً اینجا هستیم، اینها وسط بین الحرمین عربده می کشیدند بر عایشه فاحشه لعنت، بعد فریاد می زدند برمنکرین لعن لعنت، و فضایی که اینها ایجاد کرده بودند و این جریان دارد به این شکل می رود، هم غفلت ما و هم غفلت طرف مقابل یک بازی روی لبه تیغ است که هر لحظه اش ممکن است یک اتفاقی بیفتد.

در مشهد ما هیأت را که برده بودیم مشهد متوجه شدیم حالا این از کجا آمد، آمده بودند یک پک هایی را آماده کرده بودند، زیر پیراهن هایی آستین رکابی قرمز،؟؟؟ اینها را برای همین عیدالزهره برای همین هیأت، از کجا آمده بودند خبر نداشتیم، فقط زیرش هم بزرگ نوشته بود لعن بر عمر،

(آبفروش) حاج آقا این ماجرا را چکار می شود کرد؟ نگاه کنید آن یاسر الحبيب سال گذشته برای عایشه روز فوت عایشه را اینها جشن گرفتند یک جشن خیلی بزرگ هم نبود، ولی بواسطه این شبکه سلام و شبکه های دیگر که داشتند کاملاً پوشش دادند و چه جنجالی به پا شد در لبنان و جاهای دیگر، این را حالا با توجه به اینکه مدت طولانی را هم خود حاج آقا در لبنان بودند، و در واقع دکترايشان را هم از لبنان گرفتند،

و برگشتند، بعد این هم در مورد فرمایش شما فکر می کنم حسن ختام جلسه هم بشود چون می ترسم دوستان به شامشان دیگر نرسند،

(زائری) من اجازه بدهید حالا ، من این را البته بگویم.... بفرمایید..

البته من یک نکته ای عرض کنم ببخشید، وقت گذشته و اینها، ولی یک نکته ای که باید واقعا تعریف شود حالا نمی دانم فقها علما مجتهدین باید نظر بدهند، ؟؟؟؟ فرمودید باید این اسرار آل محمد تعریف شود، یعنی واقعا الان مشخص نیست که کدامها باید بیان شود، کدامها نباید بیان شود، و اینکه کجا بیان شود و کجا بیان نشود و چجوری، یعنی این تعریف، کجا و چگونگی، واقعا نکات اساسی است، ممکن است یک نکته یک جا بیان شود واقعا پخش شود،

من می خواهم تشکر کنم، بله درست است، ممنونم، می خواهم تشکر کنم از آقای آبروش این نکته آخری که گفتند راجع به نشریاتی که دارد در فضای هیأت منتشر می شود حتی بعضا نشریات دیگری است که ما یا خبر نداریم یا الان منتشر نمی شود، مثلا چاوش یک دوره ای منتشر شده خیلی هم موفق بوده الان نیست یا موارد مشابه، این خودش امیدبخش است، یعنی من فکر می کنم الان کاملا می شود یک جشنواره رسانه های هیأت راه انداخت و خیلی هم رونق دارد اینها، داوری شود، ارزشیابی شود، تشویق شوند و به نظر من خیلی هم اثر دارد، این را هم عرض بکنم قبل از اینکه عرضم را تمام بکنم، برای دلخوش دوستان و اینکه بدانند عنایت هست، یکی از دوستان همین نشریات مال که خیلی هم عرض کردم زیاد هستند، خیلی هایشان با ما مرتبط است، یکی شان خودش گفت، گفت من خواب دیدم دارم وارد حرم سیدالشهدا صلوات الله علیه می شوم، نگهبانهای حرم راه را برای من باز می کنند، هر کسی می رسد من را تحویل می گیرد، تعجب کردم، گفتم شما من را از کجا می شناسید؟ گفتند نشریه شما را دائم می خوانیم، یعنی این چیزی است که دوست ما در جمعی داشت نقل می کند، اینکه در واقع آدم احساس کند مطلبی دارد می نویسد سیدالشهدا صلوات الله علیه به آن عنایت دارند، مطلبی منتشر می کند دارد دیده می شود این به نظر من بزرگترین بشارت است، من یک کلمه از فرمایش شهید بهشتی بخوانم که سیدالشهدا انقلاب است و به هر حال این حرف را ایشان باید بزنند، ایشان می گوید که بعد از اینکه این بحثها پیش آمد من به ایشان گفتم ببین با صرف نکن گفتن منکر از بین نمی رود، برنامه می خواهد، باید مبارزه کرد، باید جدیت به خرج داد، بعد فرمودند ایشان می گوید من به ایشان گفتم این کاری است که برنامه ریزی دراز مدت می خواهد و باید کار شود، من فکر می کنم حل این مشکلات لازمه اش ترویج معرفت است، آن چیزی که خود اهل بیت به ما گفتند، لازمه اش نشر معارف است، لازمه اش این است که به جای آن فضای احساسی که طرف فقط به سر و سینه اش می زند یک روایت نمی شنود، صبح هم نمازش قضا می شود، فردایش هم می آید در مجلس

رفتار اینجوری نشان می دهد که با اساس معارف اهل بیت در تضاد است هر چه بیشتر بشود آگاهی را افزایش داد، البته نمی شود توقع داشت یک روزه و دو روزه جواب بدهد، خود امام امت که دیگر ولی خدا بود پانزده سال باید در نجف و فلان تبعید انتظار می کشید، طبیعتاً این کار کاری نیست که روزه حل شود، ولی راهش به نظر من این است که ما هر چه بیشتر بتوانیم تکیه را بگذاریم بر نشر معارف، بر بیان احادیث اهل بیت، بر تبیین و روشننگری که حضرت آقا می گویند بصیرت افزایی این چیزی است که در واقع روحانیت وظیفه دارد قبل از همه، و هیأت هم فضای همین کار است، انشاءالله امیدواریم خدا به همه مان این توفیق را عنایت بکند، بفرمایید.

با توجه به اینکه صحبت‌های متعددی هم شد و توصیه هایی که بود بحث روشهای سنتی است، در محتوا برای هیأتها و بعضی مطالباتی که جوانان دارند و ما هم برای جذب در هیأت و این مجالس یک سری مطالبات خاصی دارند، نگاه به این مطالبات و نگاه به محتوی و قالبی که ما باید داشته باشیم برای هیأتها و منابع چیست؟ هم اینکه بتوانیم تأثیر گذار از کانال رسانه های نوشتاری و دیداری باشیم.

من فکر می کنم این یک مقداری بستگی به شرایط و مخاطب و فضا و اینها دارد، یعنی شاید نمی شود یک نسخه واحد ارائه کرد، چه بسا در هر منطقه ای در هر موقعیتی، در هر فضای هیأتی یک اقتضائاتی وجود داشته باشد، بخشی اش قابل استفاده و تکرار هست، مثلاً همین نکته ای که گفتند دوستان، مثلاً ممکن است یک کلیپی ساخته شود این کلیپ را عیناً فرض کنید شما در بندرعباس بتوانید نمایش بدهید، ما هم در شیراز بتوانیم نمایش بدهیم، دوست دیگری هم در یزد بتواند نمایش بدهد، ولی فضای هیأتها ممکن است با هم با هم متفاوت باشد، خیلی هم نمی شود سخت گرفت، به هر حال یک بخشی از آن جوانان همانطور که گفتم ممکن است یک علاقه هایی داشته باشم، ما خط قرمزهایمان را باید تعریف کنیم، بگوییم آقا از اینجا به بعد هیچ جور با دین و مکتب اهل بیت جور در نمی آید، ولی در داخل این چارچوب یک مقداری دست را باز بگذاریم که در واقع هر کسی با اقتضاء شرایط خودش بتواند مدیریت کند،

خدمتتان عرض کنم آیا؟؟؟ من خودم ایلامی هستم، ایلام هم همه اش شیعه است،؟؟؟ یک جریانی است که جریان سنی گری است، حاج آقای شریفی مسئول سازمان تبلیغات؟؟؟ زمانی بودند این جریان بود، یک جریان دیگر بود به نام جریان زرتشتی، من در مقابل اینها من سه تا روحانی خواستم در همانجا،؟؟؟ حتی یکی شان بابایش فوت کرد، می گفت که بابای من فاتحه نمی خواند،؟؟؟ بعد هم استخاره کنم با اینها بحث کنم دیدم نه، اینها قدرت درک عقلی؟؟؟..دیگر من هم وارد این بحث ها نمی شوم، می خواهم بگویم که کلمه شیرازی ها بکار نبرید،

(آبفروش) نه، نه، منظور از شیرازی ها در اینجا استان فارس و اینها نیست، این یک اصطلاح،

اصطلاح دشمن استفاده کنید.

(زائری) نه اصلا ربطی به شیراز ندارد،

می دانم ربطی ندارد، از خود دشمن، از همین کلمه استفاده کنید،

بله فرمایستان درست است،

این یک مطلب، مطلب دیگر اینکه من از روزی سه تا کاروان با پیاده رو از عراق وارد ایران می شود، اگر ما این کاروانها را بیاییم فرض کنیم ایلام ما یکبار از آنها پذیرایی کنیم، کرمانشاه پذیرایی کنیم، ??? پذیرایی کنیم، تا برسد قم، در قم بیاییم اینها را از این سی دی و عکسها هزینه کنیم، از اینهایی که هست برایشان ترجمه کنیم، که به یک جمعی توهین می کنند به اسلام توهین می کنند، همین عراقی هم فردا دیگر نمی گذارند انجمن حجتیه یا چی و چی در عراق دیگر فعالیت کنند، عراقی ها خودشان با آنها طرف می شوند، ما آمریکا را آنجا نگذاشتیم، دولت ما کاری کرد که آمریکا آنجا هیچ غلطی نکرد، همین ها را هم می شود ما کاری بکنیم،

بله برنامه ریزی می خواهد،

این را ظهر خواستم به دوستان بگویم هیأت کرمانشاه بیاید با هیأت ایلام انشاءالله هماهنگ شوند، پذیرایی کنند، منتهی بین راه یک روحانی باشد عرب زبان، با اینها صحبت کند بین اینها صحبت کند انشاءالله تا برسند قم، از قم هم همینجور هیأتها یک جلسه ای چیزی داشته باشند از آنها پذیرایی کنند، هر پنجاه متر مانده دوستانی که رفته بودند عراق ... از اینها پذیرایی می کردند.

بله بله،

ما خاطره خوش از اینها داریم اینها هم خاطره خوبی داشته باشند از ما، انشاءالله با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد، اللهم صل علی محمد و آل محمد.